حال بگشایند و فرمان حضرت کبریا بمقربان آسمان رسد که ملائکتی ثواب صلوات و تسبیحات و اذکار و تهلیلات
خود را که درین ماه آرید نثار روزه داران رمضان سازید پس ای خواجه جمله و راعیا و سموات و رطوبها گرد ارایشان نویسند
و امام ظهیر الدین ولواجی در امالی خود آورده که خضر را سوال کردند که هیچ پس از انبیاء در دنیا بقا بخواست یوسف صدیق گفت
توفنی مسلما موسی کلیم درخواست میکرد و توفنا مسلمین تو چرا بقا طلب بیدی و بازندگانی دنیا بپا رسیدی فرمود که از جهت
آن تا در پنج کرامت با امت محمد مصطفی صلعم شریک شوم که هیچ امت دیگر را نبوده اول گفتن صلوات دوم امید شفاعت
سیم جماعت نمازهای پنجگانه چهارم تلاوت سوره فاتحه پنجم روزه ماه رمضان ای عزیز خضر از حق سبحانه بقا خواست تا بمیامن این
کرامات معزز گردد ترا که ناخواسته بدین کرامت مکرم و محترم ساخته اند غنیمت دار وظیفه شکرگذاری و سپاسداری
برین نعمت جلیله فرو مگذار    فکن شاکرا لنعم نواله    و یکی دیگر از فضایل رمضان آنست که موسم وصول آثار فرقان و میقات نزول
آیات قرآنست چنانچه فرمود الذی انزل آن ماهی که فرو فرستاده شده فیه القرآن درو قرآن و اگرچه در غیر او نیز فرو آمده
و از آنجا بروفق مصالح بندگان آیة آیة و سوره سوره منزل گشته و حسین بن الفضل گفته که در حق او قرآن فرو آمده یعنی در ایجاب
صوم او ای عزیز نزول اکثر کتب سماوی در رمضان اتفاق افتاده صحف ابراهیم در سیم رمضان نازل شد و توریة در ششم
انجیل در سیزدهم و زبور در هژدهم و قرآن در بیست و چهارم و در تفسیر کبیر آورده که چون حق تعالی این ماه را بروزه
مخصوص گردانید بدین کلمات بیان علة تخصیص میکند یعنی چون این شهر را خاص گردانیدیم با عظم آیات ربوبیت
که آن انزال قرآنست در پس عجب نباشد اگر اختصاص بخشیم نوعی عظیم از انواع عبودیت و آن روزه است یعنی درین
ماه این کلمات که غذای ارواحست بشما فرستادیم پس از غذای اشیاء که مطعومات و مشروباتست امساک لازم دانید
بیت  بربند دهان از نان کآمد شکر روزه : دیدی هنر خوردن بنگر هنر روزه : فاضلترین پیغمبران محمد است صلعم و شریفترین
کتابها قرآن پس نزول بهترین بر بزرگترین پیغمبری و فاضلترین وقتی باید و آن رمضانست و این پیغمبر افضل و این کتاب
اکمل و این عبادت اشمل هرآینه برای نیکوترین امتی باید و آن امت محمد است صلوات الله علیه ای درویش رمضان را با قرآن خصوصیتی
هست آنچه در جمله سال نازل شده بودی حضرت رسالت صلعم درین ماه بر خلیفه علمه شدید القوی خواندی پس هر که دعوی
محبت میکند موافقت شرطست فاروق اعظم در اول رمضان میفرمود که اتاکم شهر رمضان فاعمروه بالاحسان و تلاوة
القرآن یعنی جانب این ماه را رعایت کنید باقامت قواعد احسان و حق او بگذارید بتلاوت آیات قرآن از سلف صالح
در بخارا بزرگی بوده که چون ماه رمضان درآمدی مدرسها ترک گفتی از گفتار النعمن و او درس کتاب الرحمن ختم قرآن در ماه رمضان
سبب ختم عمراست برایمان در توریة آمده که من امت محمد را صلوات الرحمن علیه دو نور داده ام تا از دو ظلمت خلاص یابند
نور قرآن ارزانی داشتم تا ظلمت قبرستان نباشد و نور ماه رمضان بریشان عنایت کردم تا از ظلمت قبر قیامت
برهند انشاء الله ع آنجا که نور باشد ظلمت چه کار دارد : پس در صفت قرآن میگوید هدی للناس فرو فرستاده

و منقولست که جمله قرآن در ماه رمضان از لوح محفوظ بآسمان دنیا فرود آمده

شد قرآن



شد قرآن در حالتی که راه نماینده است انسان را باصول ایمان و بینات و دلالتهای روشنست من الهدی از حلال
و حرام و حدود و احکام هدای اول را حمل بر اصول دین کرده اند و ثانی را بر فروع یا هدی در قسمت اول جلی و غیر آن قسم اول
افضلست پس بعد از ذکر هدی که جنس است عطف کرد بر دو نوع این را بجهة تفضیل چون ملائکه و جبرئیل و الفرقان عطفست
بر هدی یعنی قرآن آیاتست و اضحاتست از شرایع دین و احکامی که جدا کننده باشد میان حق و باطل گویند فرقان نصرتست
کما قال الله تعالی یوم الفرقان و در روزه نیز نصرتست بر عدو باطن یعنی هوای نفس فمن شهد منکم الشهر پس هر که
حاضر شد از شما ای مکلفان یعنی مقیم بلده بود در ماه رمضان یا هر که دریابد شما هلال شهر را فلیصمه پس باید که روزه دارد
شهر را امری حتم است بحکم تخییر که در آیة سابق بود و بوی منسوخ شد الطائی گوید هر که از شما شهودی و حضوری حاصل شود باتم
که روزه دار داز همه اشیاء تا افطار کند بشربت مشاهده لقا و در لطایف قشیریه آمده که امر بصوم هم اهل ظاهر را شاملست و هم
اهل باطن را صوم ظاهر یکی باشد آن امساکست از مفطرات اما صوم باطن سه است صوم دل آن صوره اوست از آفات
راه و روزه رفع آن امساک وست از التفات بما سوی الله و صوم سر و آن صیانت او باشد از غبار توجه باغیار بگاه
پیگاه و گفته اند شهود شهر موجب صوم لله است و شهود خالق شهر سبب صوم بالله اگر لله باشد واسطه شوقست و اگر
بالله بود رابطه حصول قربت صوم لله تحقیق عبادتست و بالله تصحیح ارادت از صفت عابد است یا لله نعت فطامه
امساکست از حیثیة عبارات شریعت بالله امساکست از حیثیة اشارات حقیقه صوم لله بتن باشد و صوم بالله بدل روزه
تن همه کس نتواند داشت و روزه دل کار هر کس نیست تن پاک داشتن آسان بود دل پاک ساختن کار عارفانست حلق
از طعام نگاه داشتن از مجاز آید دل از حرام باز داشتن پیشه جوانمردانست صوم را سه رتبه عامه خلقست و صوم خاصان
حق صحت صوم عوام مشروطست بمحافظت بطن و فرج از مفطرات و این ادنی مراتب صوم است و احکام فقهیه دینی
درین مرتبه بیش نیست اما صوم خاص دو نوع است یکی صوم صلحا و ابرار و شرط صحت صوم ایشان حفظ اعضا و جوارحست
از اعمال ناشایسته و افعال ناپایسته بیت  هر عضو را بباید که تحقیق روزه است : تا روزه تو روزه بود نزد کردگار
و درهمین معنی میفرماید بیت روزه خاصان نه همین است و بس : بلکه بریدن بود از هر هوس : هرچه نباید که بجوی بجوی : وانچه
نشاید که بگوی مگوی : چشم مکن باز بنادیدنی : گوش بپرداز ز نشنیدنی : دست میالای بشغل و دغل : پای مفرسای
براه امل : علم و عمل را ز ریا پاک : بلکه دل از غیر خدا پاک کن : دوم صوم مقربان و صدیقان و شرایط صحت صوم این طایفه
محافظت آئینه دلست از غبار خاطر نفسانی و زنگار دواعی لذات جسمانی و باز کشیدن عنان التفات از هر چه
غیر حقست بدوام مراقبه و سد طرق شواغل عینیه از رویة تفاصیل موجودات بملازمت آداب محاضره و این کار هر کس
نیست بیت مردی باید مجرد از هر دو جهان : فارغ ز وجود و عدم و سود و زیان : نه فکرت اندیشه ندیده ز زیان
نه وهم و نه درمان نه یقین و نه گمان : سلمی گوید شهود شهر موجب صوم شهر است و شهود رب موجب صوم دهر عامیان

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)